

## تصویرسازی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

شهرزاد شاه‌سنی\*

دانشگاه شیراز

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تصویرسازی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس است. روش پژوهش کیفی و رویکرد تحلیل داده‌های آن توصیفی تفسیری است. روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش‌های زنانه بیشتر از مردانه و نقش‌های سنی دختر جوان و مرد میان‌سال بیشتر از بقیه‌ی نقش‌هاست. شخصیت اصلی در بیشتر قصه‌ها زنان‌اند. زنان و مردان در صفات متعددی تصویرسازی شده‌اند و همچنین الگوی سفر و روایت جست‌وجو در قصه‌ها کاملاً مردانه نیستند.

واژه‌های کلیدی: الگوی سفر، روایت جست‌وجو، زنان، شخصیت اصلی، قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس.

### ۱. مقدمه

قصه از برجسته‌ترین و رایج‌ترین گونه‌های ادبیات عامه است که با طبیعت و زندگی مردم پیوند نزدیک دارد. گوناگونی یک قصه و نقل آن به این سبب است که ادبیات عامه در آغاز صورت شفاهی داشته که از فرد به فرد و نسل به نسل دیگر انتقال یافته و سپس برای بقا و استمرار در هر عصر و دوره و در هر جامعه و فرهنگ، خود را با نظام اجتماعی رایج تطبیق داده و با الگوی اجتماعی آن جامعه و آن دوره هم‌نوا کرده است. قصه‌ها انگاره‌ها و تصویرهایی از زندگی مردم زمانه، تضاد طبقاتی و ستیزه‌جویی‌های اجتماعی، رفتار و روابط خانوادگی و خویشاوندی، گرایش‌های قومی و مذهبی، اندیشه و احساس، آداب و رسوم متداول در جامعه را به زبان ساده یا به زبان نمادی (سمبولیک) و به صورت‌های طنز یا جدی و هزل ترسیم و بیان می‌کنند (نک: آموزگار، ۱۳۸۴: ۲۶).

\* استادیار مبانی تعلیم و تربیت shshahsani@yahoo.com

همه‌ی قصه‌های نظم و نثر به‌طورکلی از نظر موضوع سه گونه‌اند: قصه‌های عامیانه، قصه‌های ادب کهن پارسی و قصه‌های نوین امروز ایران. در قصه‌های عامیانه، ساختار متن در جهت نوعی تقابل بین قهرمانی و شرارت، نیکی مطلق و پلیدی هویت پیدا می‌کند. قصه‌گو همه‌جا به وحدت زیبایی و حقیقت و پاکیزگی اخلاق پایبند است. شر پدیده‌ای عدمی است که نقصان وجود آدمی را به نمایش می‌گذارد. قصه‌گو به وراى محیط تجربی‌اش نظر می‌اندازد و مخاطب را از روزمرگی دور می‌سازد. حیطة‌ی کنش در قصه‌ی عامیانه بسیار گسترده و نامحدود است. در این قصه‌ها هر گونه کنش تصورناپذیری را می‌توان مشاهده کرد (همان: ۲۷).

از نظر تاریخی، قصه‌ها به همان اندازه که برای سرگرم کردن کودکان به کار رفته‌اند، برای تربیت آن‌ها نیز کاربرد داشته است (نک: گرین، ۱۳۸۴: ۵۶). کودک به کمک قصه با شیوه‌های برخورد انسان‌ها و دشواری‌های زندگی خود آشنا می‌شود و از شخصیت‌های قصه‌ها می‌آموزد که چگونه با گرفتاری‌های مشابه برخورد کرده و احساس‌های دیگران را درک کند (نک: نورتین، ۱۳۸۲: ۵).

در قصه، کودک با همه‌گونه مردمی آشنا می‌شود. گرچه شخصیت‌های قصه‌های عامیانه میل به تک‌بعدی بودن دارند (که این امر تمییز بین خیر و شر و دیگر تضادها را برای کودک کم‌سال آسان می‌کند)، شخصیت‌های متنوعی در این قصه‌ها وجود دارند: شخصیت‌های زیبا و زشت، خردمند و ابله، بی‌ریا و رذل؛ همچنین طیفی گسترده از احساسات بشری در آن‌ها عرضه می‌شود: حسادت، عشق، تنفر، قناعت، حرص، فریب، خشم و... (نک: گرین، ۱۳۸۴: ۵۳).

چگونگی تصویرشدن شخصیت‌ها و رفتارهای وابسته به جنسیت در قصه‌ها از اهمیتی ویژه برخوردار است. به گفته‌ی جان استیونز «داستان‌هایی که به درون‌مایه‌ی جنسیت می‌پردازند، در میان برداشت‌های گوناگون از زنانگی و مردانگی، معمولاً به یکی تمایل آشکار نشان می‌دهند و مسلماً چنین می‌پندارند که خوانندگان آن‌ها نیز این برداشت را تأیید می‌کنند» (استیونز، ۱۳۸۷: ۹۲). به همین منظور این پژوهش در پی آن است که تصویرسازی زنان را در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس بررسی کند.

### ۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجا که قصه‌ها در تعلیم و تربیت مخاطبانشان تأثیری شایان توجه دارند، این پژوهش که به نظر می‌رسد از نخستین پژوهش‌های این حوزه است، نقش زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس را در کانون توجه خود قرار داده است؛ همچنین از آن رو که افسانه‌ها، قصه‌ها و پندارهای عامیانه که از پیشینیان به یادگار مانده نباید فراموش شود، پژوهش درباره‌ی قصه‌های عامیانه می‌تواند در حفظ آن‌ها مؤثر باشد.

افزون‌براین، قصه‌ها در انتقال مفاهیم، ارزش‌ها، نقش‌ها و در نهایت در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان ابزاری قوی هستند. مخاطبان هنگام مطالعه‌ی قصه‌ها در مواجهه با شخصیت‌های قصه‌ها تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته و به پیروی از باورها و ارزش‌های آن‌ها، خود را با شخصیت‌ها همانندسازی می‌کنند و از این طریق به یادگیری می‌پردازند؛ پس بررسی تصویر زنان در قصه‌های عامیانه بسیاری از نکات را آشکار می‌سازد.

### ۱-۲. اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش بررسی تصویرسازی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس است. بررسی نقش‌های جنسیتی و سنی، شخصیت‌های اصلی، صفات زنان و الگوهای سفر و جست‌وجو در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس از اهداف جزئی این پژوهش به شمار می‌روند.

### ۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- الف. فراوانی نقش‌های جنسیتی در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس چگونه است؟
- ب. فراوانی نقش‌های سنی (کودک و نوجوان، جوان، بزرگ‌سال و کهن‌سال) در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس چگونه است؟
- ج. آیا شخصیت‌های اصلی قصه‌های مردم فارس زن هستند یا مرد؟
- د. صفات تصویرسازی‌شده‌ی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس کدامند؟
- ه. الگوی سفر و روایت جست‌وجو در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس زنانه است یا مردانه؟

### ۱-۴. تعریف‌ها

- شخصیت اصلی: در طرح داستان، محور و مرکز حوادث، شخصیتی است که همه‌ی حوادث و شخصیت‌ها به معرفی او می‌پردازند. اوست که حوادث مهم را پیش می‌برد و

از همه مهم‌تر سرنوشت و پایان ماجراها اوست که اهمیت پیدا می‌کند. به این شخصیت، شخصیت اول یا اصلی گفته می‌شود (نک: پاینده، ۱۳۷۳: ۶۲).

- الگوی سفر: الگوی دایره‌ای خانه، دور از خانه، خانه الگوی سفر نام دارد (نک: نیکولایوا، ۱۳۸۷: ۵۲۵).

- روایت جست‌وجو: یکی از فراگیرترین شکل‌های داستان در ادبیات کودکان «روایت جست‌وجو» است که ساختاری از اضطراب، تردید، کشمکش، مبارزه، شکست موقت و سرانجام، نتیجه‌ی مطلوب و پیروزی را دارد (نک: استیونز، ۱۳۸۷: ۹۶).

- قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس: ابوالقاسم فقیری کتاب قصه‌های مردم فارس را برای کودکان و نوجوانان گردآوری و مرکز نشر سپهر در سال ۱۳۴۹ آن را منتشر کرده است. این مجموعه قصه دارای ۱۳۰ صفحه و شامل ۲۲ قصه است.

## ۲. چارچوب نظری و مروری بر پیشینه‌ی پژوهش

به گفته‌ی جان استیونز «انواع ادبی، به سادگی کلیشه‌های جنسیتی را در ذهن خواننده زنده می‌کنند؛ زیرا شخصیت‌های داستان در رویدادهایی درگیر می‌شوند که احتمالاً شکل یا نتیجه‌ی جنسیت یافته دارند. برای نمونه، یکی از فراگیرترین شکل‌های داستان در ادبیات کودک، «روایت جست‌وجو» است که آشکارا بر الگوی زندگی مردانه بنا شده است» (استیونز، ۱۳۸۷: ۹۶). نیکولایوا نیز معتقد است: «بیشتر داستان‌های جست‌وجو، یا قهرمانی جمعی دارند یا قهرمانی فردی که مرد است. علت این پدیده، طبیعت مردانه‌ی اسطوره‌ی جست‌وجوست که می‌طلبد قهرمان داستان از خانه دور شود و خود را به وسعت جهان درافکند تا به ایدئال‌هایش دست یابد» (نیکولایوا، ۱۳۸۷: ۵۲۵).

کتاب‌هایی که به درون‌مایه‌ی جنسیت می‌پردازند، در میان برداشت‌های گوناگون از زنانگی و مردانگی، معمولاً به یکی تمایلی آشکار نشان می‌دهند و مسلماً چنین می‌پندارند که خوانندگان آن‌ها نیز این برداشت را تأیید می‌کنند؛ اما درحالی‌که کتاب‌ها آشکارا در پی تأثیر گذاشتن بر نگرش‌های خوانندگان‌اند، به همان آشکاری در تسلط بر آن نگرش‌ها توانا نیستند (نک: استیونز، ۱۳۸۷: ۹۳).

«جنسیت‌بخشی» در ادبیات داستانی، با شمارش شخصیت‌های مؤنث یا مذکر یا حتی چگونگی رفتار این شخصیت‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه این پدیده بر تمام جنبه‌های تولید و دریافت متن سایه می‌افکند. فهمیدن یک متن، که حاصل سخن خود متن و دانش پیشین

خواننده است، با میانجیگری طرح‌واره‌هایی صورت می‌گیرد که جوامع برای سازمان‌دادن به مفاهیم جهان آن‌ها را به کار می‌گیرند. مهم‌ترین نکته این است که طرح‌واره، کارکردی شبکه‌ای نیز دارد و اجزای سازنده‌ی مفهوم، مانند زنانگی و مردانگی، را به هم مربوط می‌کند (همان). به گفته‌ی استیونز «قوی، خشن، مقاوم، ستیزه‌جو، خاطی، رقابت‌طلب، آزمند، حامی، بازیکن، مستقل، فعال، دارای بینش تحلیلی، دارای استدلال، طرح‌واره‌های مردانگی و زیبا، عاطفی، سلطه‌پذیر و فرمانبر، کناره‌گیر، مهربان، ضعیف، وابسته، منفعل و دارای بینش ترکیبی، طرح‌واره‌های زنانگی هستند و به طور معمول مرد مطلوب اجتماع با ویژگی‌های طرح‌واره‌ی مردانگی همخوان است و پسندیده نیست که آن‌ها را زیر پا بگذارد و همچنین زن خوب با ویژگی‌های طرح‌واره‌ی زنانگی سازگار است و زن بد از آن‌ها سر باز می‌زند» (همان: ۹۵). افشانی و همکاران (۱۳۷۷) نیز با بررسی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی، پی برده‌اند که زنان بیشتر در نقش‌های کودکی و نوجوانی و مردان عمدتاً در نقش‌های بزرگ‌سالی به تصویر کشیده شده‌اند؛ همچنین خویشاوندان مذکر به نحوی چشمگیر بیش از خویشاوندان مؤنث در این کتاب حضور می‌یابند؛ افزون‌براین، نسبت مشاغل زنانه کمتر و نسبت مشاغل مردانه بیشتر شده است.

مقصدی (۱۳۸۰) به بررسی نقش زن در داستان‌های کودکان (فولکوریک و معا صر ایرانی) پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد با اینکه نقش زنان در جامعه‌ی فعلی به نقش‌های خانگی محدود نیست، در کتاب‌های داستانی کودکان، زنان غالباً در نقش‌های عادی و کلیشه‌ای ولی سنتی ظاهر می‌شوند. ویژگی‌های شخصیتی این نقش‌ها عبارتند از: مادری، کدبانوگری، معلمی و پرستاری و... ویژگی‌های اخلاقی متناسب با این نقش‌ها برابرند با نازک‌دلی، سست‌رأیی، ناقص‌عقلی، دلبری و زیبایی، بی‌وفایی و خیانت، انفعال در تصمیم‌گیری، ضعف ابتکار، عقب‌مانده و خرافه‌ای بودن و... .

کرمی (۱۳۸۴) نیز با بررسی نقش زنان در *شاهنامه* دریافته است زنان *شاهنامه* گاه در نقش‌های مثبت و گاه در نقش‌های منفی حضور می‌یابند؛ برای مثال زنان در برخی بخش‌های *شاهنامه* به‌عنوان دوست اهریمن، فردی مکار و حيله‌گر، ابزاری برای افزایش نسل و انجام دهنده‌ی برخی کارهای ناپسند (همدستی در کشتن افراد و...) به ایفای نقش منفی می‌پردازند. همچنین حسینی (۱۳۸۶) به مقایسه‌ی تطبیقی جلوه‌های زن در حکایت‌های هندی و ایرانی قرن ششم تا دهم هجری پرداخته است. حکایت‌های دارای ریشه‌ی هندی از کتاب‌هایی چون: *طوطی‌نامه*، *سندبادنامه*، *کلیله و دمنه* و *جوامع‌الحکایات* و حکایت‌های دارای ریشه‌ی

ایرانی از متونی مانند سمک عیار، بختیارنامه، مرزبان‌نامه، گلستان سعدی، بهارستان جامی و لطایف‌الطوائف انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق حسینی نشان می‌دهد زنان در حکایات هندی نازل‌ترین شأن و شخصیت اجتماعی را دارند و از حضور در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی نیز محروم هستند. چنین دیدگاهی درباره‌ی زنان ناشی از وجود نگرش زن‌ستیزانه و مردسالارانه در آئین هندوست؛ ولی در حکایاتی که ریشه‌ی ایرانی دارند زن‌ستیزی وجود ندارد بلکه نگاه و نگرش در این آثار مردانه است.

آیدنلو (۱۳۸۷) نیز روایات حماسی و پهلوانی و عامیانه‌ی ایرانی را به‌طور گسترده بررسی کرده و دریافته است زنان و دختران در روایات حماسی و عامیانه، در عین زیبایی و دلبری، سخت پرخاشگر، دلاور و سرکش‌اند. چنان‌گرن گران برمی‌گیرند و به پیکار دیو و اژدها می‌روند و مردان جنگاور را تاب پایداری در برابر آن‌ها نیست. این بن‌مایه‌ی داستانی را می‌توان مضمون «پهلوان‌بانو» نامید. از نظر او حداقل سه دلیل عمده برای ظهور و تکرار آن می‌توان برشمرد: ۱. پایگاه برتر و احترام تقدس‌آمیز زنان در مرحله‌ی کشاورزی از تاریخ تمدن انسانی (عصر زن/ مادرسالاری)؛ ۲. الگوگیری از ویژگی‌های جنگی و پهلوانانه‌ی برخی مغ‌پهلوانان اساطیری؛ ۳. اعتراض نمادین به نظام مردسالاری و در پی آن تفکر زن‌ستیزانه‌ی برخی جوامع. پهلوان بانوان نامدار روایات ایرانی «بانوگشسب»، «روشنک» و «پوران‌دخت» هستند.

حسینی و زارع‌زاده (۱۳۸۸) نیز سیمای زن را در داستان‌های هزار و یک‌شب بررسی کرده‌اند. در این پژوهش داستان‌هایی انتخاب و مطالعه شده‌اند که نقش محوری آن‌ها را زنان به عهده داشته‌اند. پژوهشگران دریافته‌اند که شهرزاد هزار و یک‌شب برترین نمونه‌ی زنان است. او به‌عنوان زنی مدبر، شجاع، دلاور، عاشق‌پیشه، هنرمند و اهل قلم تصویرسازی شده است؛ از این رو، حضور او در داستان همگرایی کلی ایجاد کرده و سبب شده که دیگر با دیدی خفیف و نازل به زن نگریسته نشود، بلکه خوانندگان داستان، او (زن) را مکمل و همکار و یاور مرد بدانند.

نوبخت و احمدی (۱۳۸۸) نیز بر نقش و جایگاه زنان جنوبی در قصه‌های عامیانه تمرکز کرده‌اند. آن‌ها با تکنیک تحلیل محتوا، شصت قصه‌ی عامیانه‌ی شهرستان لامرد را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که زنان در این قصه‌ها غالباً در نقش‌های خانوادگی و کلیشه‌های سنتی ظاهر شده‌اند. ویژگی اخلاقی بارز آن‌ها ضعف و ناتوانی، مهربانی و دلسوزی و نداشتن قدرت است.

همچنین پورگیو و ذکاوت (۱۳۸۹) براساس تمایز جنس و جنسیت و در چارچوب نظریه‌ی فمینیسم (زن‌گرا)، به بررسی نقش‌های جنسیتی در قصه‌ی خاله‌سوسکه پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد گفتمان مردسالار در ساختن نقش‌های جنسیتی، ارزش‌ها و ملاک‌های مرتبط با آن‌ها و ارائه و القای آن‌ها به مخاطب از راه‌های گوناگون از جمله ادبیات کودک، نقشی مهم دارد و نظام مردسالاری را تقویت می‌کند.

باقری (۱۳۹۲) نیز تصویر زنان فعال و منفعل را در داستان‌های منثور عامیانه بررسی کرده است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد زنان در داستان‌های منثور عامیانه، نقش‌هایی گوناگون بر عهده دارند. در مقایسه با نقش منفعل و تزئینی زنان در ادبیات رسمی و غنایی، نقش زنده، پویا، اثرگذار و گاه محوری زنان در قصه‌های عامیانه تأمل‌برانگیز است. زنان فعال با شخصیت مثبتشان، آغازگر عشق، عیارپیشه، یاور قهرمان، پاسدار آزادی و آبروی خویش، جنگجو، طبیب و پرستار قهرمان، مخالف ازدواج اجباری، ثابت‌قدم در عشق، اهل مکر زنانه، فداکار، مهربان، خردمند، گره‌گشا، رایزن قهرمان و اهل عیش نهانی‌اند.

برخی پژوهشگران خارجی نیز به بررسی نقش زنان در قصه‌های عامیانه‌ی ملل گوناگون پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های استاکارد<sup>۱</sup> (۱۹۸۰)، گرابینسکا<sup>۲</sup> (۱۹۹۴)، میدوری یاماموتو<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)، بلادورث<sup>۴</sup> (۱۹۹۶)، آگیولار<sup>۵</sup> (۲۰۰۱)، گلدبرگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۴)، ماری<sup>۷</sup> (۲۰۰۵)، مابل<sup>۸</sup> (۲۰۰۶)، ویرچو و وگلر<sup>۹</sup> (۲۰۰۸)، ویلسون<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۰) اشاره کرد که نتایج برخی از آن پژوهش‌ها به شرح زیر است:

بلادورث (۱۹۹۶) به بررسی نقش‌های تصویرسازی‌شده در قصه‌های عامیانه‌ی چینی پرداخته است. نتایج او حاکی از آن است که زنان در قصه‌های عامیانه‌ی چینی در نقش‌های متعدد تصویرسازی شده‌اند؛ برای نمونه در قصه‌ی «یک قهرمان»<sup>۱۱</sup> مولن<sup>۱۲</sup> یک قهرمان زن چینی بسیار باهوش است که در شمشیرزنی مهارتی فراوان دارد. او به جای پدرش

1. Stockard
2. Grabinska
3. Midori Yamamoto
4. Bloodworth
5. Aguilar
6. Goldberg
7. Marie
8. Mabele
9. Virtue & Vogler
10. Wilson
11. The Heroin
12. Mulan

به جنگ می‌رود و آموزش شمشیربازی دختر امپراطور را نیز به عهده می‌گیرد. او برای خدمات شایانش به ارتش تشویق می‌شود و پاداش می‌گیرد. در قصه‌ی عامیانه‌ی «همسر هوشمند»<sup>۱</sup> نیز که زنان در نقش همسر، مادر یا مادرشوهر ظاهر می‌شوند، جایگاهی قدرتمند و اثری شگرف در خانواده دارند؛ در حالی که بعضی مردان قصه، کودن و سفیه بوده یا حداقل برای همسرانشان مناسب نیستند. در قصه‌ی «ببرهای سفید»<sup>۲</sup> و «چا زنی اثرگذار»<sup>۳</sup> بسیار زیبا و جذاب است که قدرت سیاسی و اقتصادی فراوانی کسب می‌کند.

آگیولار (۲۰۰۱) در پژوهشی، سیمای زنان را در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فلپین (قصه‌های پوسانگ)<sup>۴</sup> بررسی کرده است. پنج زن شخصیت اصلی این داستان‌ها عبارت‌اند از: مارسلا<sup>۵</sup>، همسر لودویکو<sup>۶</sup>، مارینگ سینوکان<sup>۷</sup>، تالانگ سیلانگان<sup>۸</sup> و تاگولوگ<sup>۹</sup>. آن‌ها باایمان، پرهیزگار، پاکدامن، زیبا، تأثیرگذار، باهوش و صادق هستند و نقش‌های کلیدی را در قصه‌ها ایفا می‌کنند. ویلسون (۲۰۱۰) داستان مخاطرات دانیل بوون<sup>۱۰</sup> را بررسی کرد. شخصیت اصلی داستان یک زن قهرمان، فعال، پرخاشگر، قوی و زیباست.

پژوهش‌های پیش‌گفته را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد: ۱. بررسی نقش زنان در کتاب‌های درسی؛ ۲. بررسی نقش زنان در یک قصه یا قصه‌های سریالی؛ ۳. مقایسه‌های تطبیقی نقش زنان در قصه‌های مختلف. مزیت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین این است که نخست به نظر می‌رسد که روی افسانه‌های عامیانه‌ی مردم فارس و تصویرسازی زنان در آن‌ها تاکنون کار نشده است؛ دیگر اینکه پژوهش حاضر، نه تنها به بررسی نقش و صفات زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس می‌پردازد، بلکه فراوانی نقش‌های سنی (کودک و نوجوان، جوان، بزرگ‌سال و کهن‌سال) شخصیت‌های این قصه‌ها را محاسبه می‌کند؛ افزون‌براین شخصیت‌های اصلی قصه‌ها، الگوی سفر و روایت جست‌وجو را نیز در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس بررسی می‌کند.

1. The clever wife
2. White tigers
3. Wu cha
4. Pusong Tales
5. Marcela
6. Ludvico wife
7. Maring sinukan
8. Talang silangan
9. Tagolog
10. Daniel Boon



## ۳. روش پژوهش

این مقاله پژوهشی کیفی<sup>۱</sup> است و رویکرد تحلیل داده‌های آن، توصیفی تفسیری<sup>۲</sup> است. استراوس و کوربین<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) برای تحلیل داده‌های کیفی، سه رویکرد را مشخص می‌کنند. در رویکرد نخست که با کار خبرنگاران مقایسه‌شدنی است، پژوهشگر داده‌ها را بدون هیچ نوع تحلیلی ارائه می‌کند و تفسیری از آن به عمل نمی‌آورد؛ این رهیافت توصیفی<sup>۴</sup> است. در رویکرد دوم پژوهشگر علاوه بر ارائه‌ی داده‌ها تا حدودی به گزینش آن‌ها و تفسیرشان نیز نیاز دارد. رهیافت سوم در تحلیل داده‌ها، که نیازمند سطح بالایی از تفسیر و تجرید<sup>۵</sup> است، تدوین نظریه است. روش جمع‌آوری داده‌های پژوهش، اسنادی است و با مراجعه به کتاب قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس صورت گرفته است. بنا به گفته‌ی دو ورژه به طور کلی در قلمرو مطالعات اجتماعی داده‌ها بر پایه‌ی دو روش جمع‌آوری می‌شوند: ۱. مشاهده و بررسی از طریق مصاحبه، پرسشنامه و مشاهده‌ی مستقیم؛ ۲. تحلیل اسنادی که پدیده‌های اجتماعی بر روی آن‌ها اثر گذاشته است، مانند اسناد مکتوب (نک: دو ورژه، ۱۳۶۲: ۷۷). «اصطلاح اسناد شامل مدارک کتبی و سایر اشیایی که از حیات اجتماعی بر جای مانده است می‌شود و مهم‌ترین مدارک عبارت‌اند از: کتاب‌ها، مطبوعات شامل روزنامه و مجله، تصاویر اعم از عکس‌ها و تابلوها، بایگانی و آرشیو، اشعار و متون ادبی و آثار هنری و افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها» (محسنی، ۱۳۷۹: ۵۶).

روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، تحلیل محتوای جهت‌دار<sup>۶</sup> است. هسیه و شانون<sup>۷</sup> از سه نوع تحلیل محتوای کیفی نام می‌برند: ۱. تحلیل محتوای عرفی<sup>۸</sup>؛ این نوع تحلیل هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات پژوهش درباره‌ی پدیده محدود است و پژوهشگران از به‌کارگرفتن مقوله‌های از پیش‌اندیشیده<sup>۹</sup> اجتناب می‌کنند؛ در عوض اجازه می‌دهند تا مقوله‌ها از داده‌ها به دست آیند. پژوهشگران خودشان را در

- 
1. Qualitative
  2. Descriptive-Analytic
  3. Struss & Corbin
  4. Descriptive
  5. Interpretive - Descriptive
  6. Directed Content Analysis
  7. Hsieh & Shanon
  8. Conventional content Analysis
  9. Preconcieved categories

داده‌ها غوطه‌ور<sup>۱</sup> می‌کنند تا بصیرت جدیدی برایشان حاصل گردد. ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار: در این نوع تحلیل گاهی اوقات نظریه‌ی موجود یا تحقیقات قبلی درباره‌ی پدیده‌ای وجود دارند که یا کامل نیستند و نیاز به کامل شدن دارند یا توصیف بیشتر آن‌ها سودمند خواهد بود. ۳. تحلیل محتوای مجموعی<sup>۲</sup>: این نوع تحلیل محتوا به دنبال تعیین ویژگی‌ها و واژه‌ها و کاربرد آن در متن است. در این تحلیل تمرکز بر کشف معانی واژه‌هاست (نک: هسیه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۹).

در پژوهش حاضر برای سؤالات ۱ تا ۵، از تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده شده؛ سپس فراوانی و درصد نقش‌های جنسیتی و سنی محاسبه گردیده و شخصیت‌های اصلی مشخص شده‌اند؛ همچنین صفات زنان و الگوی سفر و روایت جست‌وجو در قصه‌های مردم فارس براساس نظرات استیونز و نیکولایوا بررسی شده‌اند. چون زنانگی در مقابل مردانگی معنا پیدا می‌کند در این پژوهش صفات مردان نیز در جدول جداگانه ارائه می‌شود.

#### ۴. پاسخ پرسش‌ها و ارائه‌ی فراوانی‌ها

جدول شماره‌ی ۱ در پاسخ به سؤال ۱ فراوانی و درصد نقش‌های جنسیتی قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس را نشان می‌دهد:

جدول شماره‌ی ۱: فراوانی و درصد نقش‌های جنسیتی قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

نام قصه	زن	درصد	مرد	درصد	نام قصه	زن	درصد	مرد	درصد
پی‌سوز و شاهزاده	۵	۵۶	۴	۴۴	سه احمق	—	—	۵	۱۰۰
قصه‌ی آهووک	۷	۷۸	۲	۲۲	رمضون علی‌جون	۴	۶۷	۲	۳۳
قصه‌ی باباخارکن	۴	۵۰	۴	۵۰	کره‌ی سیاه	۱۳	۷۲	۵	۲۸
گوالی	۸	۶۷	۴	۳۳	دادویداد	۲	۲۵	۶	۷۵
سنگ راز	۴	۶۷	۲	۳۳	متل سه دختران	۷	۷۰	۳	۳۰
شنگول و منگول و دسته‌ی گل	۴	۶۷	۲	۳۳	نمکی	۹	۹۰	۱	۱۰

1. Immerse

2. Summative Content Analysis

۶۰	۳	۴۰	۲	کوسه	۳۳	۱	۶۷	۲	قصه‌ی یک لالایی
۵۰	۱	۵۰	۱	مثل	۸۶	۶	۱۴	۱	قصه‌ی شاه‌عباس
۵۷	۴	۴۳	۳	قصه‌ی علی کچل	۳۷/۵	۶	۶۲/۵	۱۰	مغل دختر
۱۷	۲	۸۳	۱۰	خفت خمار ومهری‌نگار	۶۷	۶	۳۳	۳	خانم ناری
۲۵	۱	۷۵	۳	ننه‌ی بچه‌خمیره	۶۰	۳	۴۰	۲	قصه‌ی خاله سوسکه
۴۱	۷۳			کل مردان			۵۹	۱۰۴	کل زنان

از جدول بالا می‌توان دریافت فراوانی کل نقش زنان در قصه‌ها ۱۰۴ و فراوانی کل نقش مردان در قصه‌ها ۷۱ است. در اکثر قصه‌ها فراوانی نقش‌های زنانه بیشتر از نقش‌های مردانه است؛ به جز قصه‌های «دادوبیداد»، «کوسه»، «شاه‌عباس»، «خانم ناری» و «قصه‌ی خاله‌سوسکه» که فراوانی نقش‌های مردانه بیشتر است و در قصه‌ی «سه‌احمق» تمام نقش‌ها مردانه است.

جدول شماره‌ی ۲ نیز در پاسخ به پرسش فراوانی نقش‌های سنی در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس چگونه است؟ ارائه شده:

جدول شماره‌ی ۲: فراوانی نقش‌های سنی قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

نام قصه‌ها	دختر بچه	دختر جوان	زن	پیرزن	پسر بچه	پسر جوان	مرد	پیرمرد
پی‌سوز و شاهزاده		۲	۳			۱	۳	
سه‌احمق							۵	
قصه‌ی آهووک		۶	۱			۲	۱	
رمضون‌علی‌جون			۳	۱			۲	
قصه‌ی باباخارکن		۲	۲				۳	۱
کره‌ی سیاه		۱۰	۳			۱	۳	
گوالی		۷	۱			۲	۲	
دادوبیداد		۱	۱			۲	۴	
سنگ راز		۲	۲			۱	۱	
مثل سه دختران		۳	۴			۱	۲	

	۲				۱		۳	شنگول و منگول و دسته‌ی گل
		۱		۱	۱	۷		نمکی
۱					۱	۱		قصه‌ی یک لالایی
	۱	۲				۲		کوسه
		۳				۱		قصه‌ی شاه‌عباس
	۱			۱				متل
	۴	۲		۱	۲	۷		مغل دختر
	۳	۱		۱	۱	۱		قصه‌ی علی‌کچل
	۲	۴			۱	۲		خانم ناری
	۱	۱			۶	۴		خفت خمار و مهری نگار
		۴			۱	۱		قصه‌ی خاله‌سوسکه
	۳				۳			ننه‌ی بچه‌خمیره
۲	۴۵	۲۶	-	۵	۳۷	۵۹	۳	کل

جدول شماره‌ی ۲ نیز فراوانی نقش‌های سنی را در قصه‌های عامیانه مردم فارس نشان می‌دهد. در نقش‌های سنی زنان، دختران جوان دارای بیشترین فراوانی هستند؛ سپس زنان، پیرزنان و دختر بچه‌ها بیشترین فراوانی را دارند. در نقش‌های سنی مردان نیز، ابتدا مردان بیشترین فراوانی را دارند و پسران جوان و پیرمردان در مراتب بعدی قرار گرفته‌اند؛ همچنین نقش پسر بچه‌ها در این قصه‌ها بسیار کم‌رنگ است.

جدول زیر نیز در پاسخ به این سؤال که شخصیت‌های اصلی در قصه‌های مردم فارس زن هستند یا مرد؟ آماده شده است:

جدول شماره‌ی ۳: شخصیت‌های اصلی در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

نام قصه‌ها	زن	مرد	نام قصه‌ها	زن	مرد
پی‌سوز و شاهزاده	×		سه‌احمق		×
قصه‌ی آهروک		×	رمضون‌علی‌جون	×	
قصه‌ی باباخارکن	×		کره‌ی سیاه		×
گوالی		×	دادو‌بیداد		×
سنگ راز	×		متل سه دختران	×	

	×	نمکی		×	شنگول و منگول و دسته‌ی گل
×		کوسه		×	قصه‌ی یک لالایی
	×	متل		×	قصه‌ی شاه‌عباس
×		قصه‌ی علی‌کچل		×	مغل دختر
×		خفت خمار و مهری نگار		×	خانم ناری
	×	ننه‌ی بچه‌خمیره		×	قصه‌ی خاله‌سوسکه
٪۳۶	۸ قصه	تعداد قصه‌های دارای شخصیت مرد	٪۶۴	۱۴ قصه	تعداد قصه‌های دارای شخصیت زن

براساس جدول شماره‌ی ۳، شخصیت‌های اصلی در قصه‌های «سه احمق»، «قصه‌ی آهووک»، «گوالی»، «کوسه»، «خفت خمار و مهری نگار» و «علی‌کچل» مردان و در قصه‌های «پی‌سوز و شاهزاده»، «قصه‌ی رمضون‌علی‌جون»، «قصه‌ی باباخارکن»، «سنگ راز»، «متل سه دختران»، «شنگول منگول و دسته‌ی گل»، «نمکی»، «قصه‌ی یک لالایی»، «قصه‌ی شاه‌عباس»، «مغل دختر»، «خانم ناری»، «خاله‌سوسکه» و «ننه‌ی بچه‌خمیره» شخصیت‌های اصلی زنان هستند.

پاسخ سؤال ۴ نیز که به صفات تصویرسازی‌شده‌ی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس اختصاص دارد در جدول زیر آمده است؛ همچنین به این دلیل که زنانگی و مردانگی مفاهیمی نسبی هستند و زنانگی در مقابل مردانگی معنا پیدا می‌کند، در این پژوهش علاوه بر صفات تصویرسازی‌شده‌ی زنان، صفات تصویرسازی‌شده‌ی مردان نیز بررسی و مجموع صفات مردان در جدول شماره‌ی ۵ ارائه شده است.

جدول شماره‌ی ۴: صفات تصویرسازی‌شده‌ی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

نام قصه‌ها	صفات
قصه‌ی آهووک، قصه‌ی شاه‌عباس، سنگ زار	زیبا
قصه‌ی آهووک، سنگ راز	مهربان
قصه‌ی آهووک، رمضون‌علی‌جون، خانم ناری، قصه‌ی علی‌کچل	عاطفی
سنگ راز، شنگول و منگول و دسته‌ی گل، قصه‌ی شاه‌عباس، مغل دختر، نمکی	خردمند ودانا

فعال	قصه‌ی آهووک، سنگ راز، شنگول و منگول و دسته‌ی گل، نمکی، خفت خمار و مهری نگار، خاله‌سوسکه
خشن	خفت خمار و مهری نگار، پی‌سوز و شاهزاده
شیاد و حقه‌باز	قصه‌ی آهووک، کره سیاه
کنجکاو	نمکی
ساده لوح	مثل سه دختران
فرمانبردار	قصه‌ی یک لالایی، رمضون‌علی‌جون، پی‌سوز و شاهزاده، خفت خمار و مهری نگار
زشت	قصه‌ی آهووک، مثل سه دختران
بدجنس	قصه‌ی یک لالایی، رمضون‌علی‌جون، پی‌سوز و شاهزاده، خفت خمار و مهری نگار
خوشبین به آینده	ننه‌ی بچه‌خمیره، قصه‌ی آهووک
ضعیف	قصه‌ی آهووک
وابسته	قصه‌ی آهووک، رمضون‌علی‌جون، قصه‌ی باباخارکن، گوالی
مستقل	خاله‌سوسکه، قصه‌ی شاه‌عباس، نمکی
منفعل	قصه‌ی یک لالایی

همانطور که از جدول شماره‌ی ۴ برمی‌آید زنان با صفاتی متعدد در قصه‌ها تصویرسازی شده‌اند؛ ولی صفات زیبا، خردمند و دانا، فعال، بدجنس در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس دارای بیشترین فراوانی هستند. همچنین زنان با صفاتی متضاد مانند زشت و زیبا، خشن و مهربان، فعال و منفعل، خردمند و ساده‌لوح، وابسته و مستقل تصویرسازی شده‌اند.

جدول شماره‌ی ۵: صفات تصویرسازی مردان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس

صفات	نام قصه‌ها
قوی و نیرومند	کره‌ی سیاه
خشن	پی‌سوز و شاهزاده، نمکی، گوالی، خاله‌سوسکه، دادوبیداد، ننه‌ی بچه‌خمیره، باباخارکن
پرخاشگر	کره‌ی سیاه
رقابت‌طلب	پی‌سوز و شاهزاده، قصه‌ی آهووک، رمضون‌علی‌جون، دادوبیداد
فعال	باباخارکن
حامی	کوسه، پی‌سوز و شاهزاده، قصه‌ی آهووک، خاله‌سوسکه

مستقل	سنگ راز، علی کچل، کوسه
خردمند و دانا	علی کچل، سه احمق، گوالی، مثل سه دختران
مقاوم	کره‌ی سیاه
منفعل (غیرمقاوم)	قصه‌ی آهووک، گوالی، دادوبیداد، خفت خمار و مهری نگار
زیبا	کره‌ی سیاه
ساده‌لوح	سه احمق
شیاد و حقه‌باز	گوالی، کوسه، شنگول و منگول و دسته‌ی گل
مهربان	قصه‌ی یک لالایی

در جدول شماره‌ی ۵ مردان با صفات گوناگون در قصه‌ها تصویرسازی شده‌اند؛ ولی صفات خشن و فعال دارای بیشترین فراوانی هستند. آنان نیز با صفاتی متضاد مانند فعال و منفعل، خردمند و ساده‌لوح، خشن و مهربان نمود یافته‌اند.

نتایج پاسخ به پرسش ۵ نشان می‌دهد در بیشتر قصه‌ها الگوی سفر مردانه است. این قصه‌ها عبارتند از: «رمضون علی جون»، «گوالی»، «سنگ راز»، «خفت خمار و مهری نگار»، «کوسه» و «قصه‌ی آهووک»؛ ولی در «قصه‌ی یک لالایی»، «نمکی» و «قصه‌ی خاله‌سوسکه» الگوی سفر زنانه است. همچنین نتایج نشانگر آن است که در برخی قصه‌ها روایت جست‌وجو مردانه است. این قصه‌ها عبارت‌اند از: «کره‌ی سیاه»، «قصه‌ی یک لالایی». در بعضی قصه‌ها نیز مانند «پی‌سوز و شاهزاده»، «قصه‌ی آهووک»، «شنگول و منگول و دسته‌ی گل» روایت جست‌وجو زنانه است.

### ۵. نتیجه‌گیری

نگارنده‌ی این پژوهش به بررسی تصویرسازی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس پرداخته و در این باره پرسش‌هایی چندگانه را مطرح کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد فراوانی نقش‌های زنانه بیشتر از مردانه است. به گفته‌ی جان استیونز، جنسیت‌بخشی در ادبیات داستانی، با شمارش شخصیت‌های مؤنث و مذکر تعیین نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان بیان کرد که این قصه‌ها زنانه هستند یا مخاطبان آن‌ها تنها زنان‌اند. همچنین این قصه‌ها، قصه‌های سنتی بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند و زنان در این قصه‌ها دارای نقش‌های سنتی بوده و در نقش مادر یا همسر یا دختر ظاهر شده‌اند.

شخصیت اصلی بیشتر قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس زنان هستند؛ به طور مثال در «پی‌سوز و شاهزاده» دختر جوان برای مقابله با خواسته‌ی نامشروع پدر، خانه را ترک می‌کند و قصه را جلو می‌برد یا مادر «شنگول و منگول و دسته‌ی گل» برای بازپس گرفتن بچه‌هایش شجاعانه با گرگ می‌جنگد. «نمکی» نیز برای جبران اشتباهش که همانا باز نگه داشتن در خانه است فعالانه می‌کوشد و با دیو مقابله می‌کند. در «قصه‌ی شاه‌عباس»، دختر جوان برای پذیرش ازدواج با پادشاه شرطی می‌گذارد که در نهایت این شرط باعث نجات پادشاه می‌شود. همچنین در «قصه‌ی خاله‌سوسکه»، دختری در جامعه‌ای مردسالار تصمیم می‌گیرد خودش شریک زندگی‌اش را انتخاب کند و بالاخره فرد مناسب خود را می‌یابد؛ هر چند که زندگی مشترکشان زیاد دوام نمی‌یابد.

بیشتر صفات تصویرسازی‌شده‌ی زنان در قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس با طرح‌واره‌های زنانگی که توسط جان استیونز بیان شده، همخوانی ندارند؛ در مقابل، بیشتر صفات تصویرسازی‌شده‌ی مردان با طرح‌واره‌های مردانگی همخوانی دارند. در قصه‌ها علاوه بر تصویر زنان زیبا، مهربان، عاطفی، مطیع، ساده (ساده‌لوح)، تصویر زنان فعال، خردمند، کنجکاو، بدجنس، شیاد و حقه‌باز و زشت نیز دیده می‌شود. الگوی سفر و روایت جست‌وجو در قصه‌ها کاملاً از الگوی سنتی مردانه پیروی نمی‌کنند و در چند قصه زنانه‌اند.

با بررسی‌های انجام‌شده می‌توان به صراحت گفت که زنان در بیشتر قصه‌های عامیانه‌ی مردم فارس نه تنها منفعل نیستند، بلکه دارای شخصیت‌هایی اثرگذارند. از مشکلات به وجود آمده عقب‌نشینی نمی‌کنند و خردمندانه با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند و به طور فعال آن‌ها را حل می‌کنند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت این قصه‌ها نه زن‌ستیزند و نه زن‌سالار؛ در واقع، مردسالاری و زن‌شایستگی بر فضای قصه‌ها حاکم است.

### منابع

- استیونز، جان. (۱۳۸۷). «جنسیت و نوع ادبی»، در: *دیگرخوانی‌های ناگزیر*. به کوشش مرتضی خسرونژاد، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- افشانی، علی‌رضا و همکاران. (۱۳۷۷). «بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی». *پژوهش زنان*، دوره‌ی ۷، ش ۱، صص ۸۷-۱۰۷.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۴). «نقش و کاربرد قصه در ادب فارسی». *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت.



آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۷). «پهلوان بانو». *مجله‌ی مطالعات ایرانی*، س ۳، ش ۱۳، صص ۱۱-۲۴.  
 باقری، بهادر. (۱۳۹۲). «زنان فعال و منفعل در داستان‌های منثور عامیانه». *فرهنگ و ادبیات عامیانه*، س ۱، ش ۱، صص ۱۲۱-۱۴۲.

پاینده، حسین. (۱۳۷۳). «شخصیت‌پردازی در داستان کوتاه». *ادبیات داستانی*، تهران: البرز.  
 پورگیو، فریده و مسیح ذکاوت. (۱۳۸۹). «بررسی نقش‌های جنسیتی در خاله‌سوسکه». *مطالعات ادبیات کودک*، س ۱، ش ۲، صص ۲۷-۴۳.

حسینی، مریم. (۱۳۸۶). «مقایسه‌ی تطبیقی جلوه‌های زن در حکایت‌های هندی - ایرانی ادب کلاسیک فارسی». *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، س ۵، ش ۱۸، صص ۲۹-۵۶.

حسینی، مریم و فهیمه زارع‌زاده. (۱۳۸۸). «مقایسه‌ی تطبیقی سیمای زن در داستان‌های هزار و یک‌شب و نگاره‌های صنیع‌الملک نقاش». *زن در فرهنگ و هنر*، س ۱، ش ۲، صص ۱-۱۸.

دو ورژه، موریس. (۱۳۶۲). *روش‌های علوم اجتماعی*. ترجمه‌ی خسرو اسدی، تهران: امیرکبیر.

فقیری، ابوالقاسم. (۱۳۴۹). *قصه‌های مردم فارس*. تهران: سپهر.

کرمی، میثم. (۱۳۸۴). «شاهنامه و حماسه‌ی زن». *اباختر*، س ۴، ش ۱۲، صص ۱۸-۳۲.

گرین، الین. (۱۳۸۴). *هنر و فن قصه‌گویی*. ترجمه‌ی طاهره آدینه‌پور. تهران: ابجد.

محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: کتابخانه‌ی طهوری.

مقصودی، سوده. (۱۳۸۰). «بررسی نقش زنان در داستان‌های کودکان». *زن در توسعه و سیاست*، س ۳، ش ۱۰، صص ۴۱-۵۵.

نوبخت، رضا و نسرین احمدی. (۱۳۸۸). «بررسی نقش و جایگاه زن جنوب در قصه‌های عامیانه (جامعه‌ی مورد مطالعه: قصه‌های عامیانه‌ی شهرستان لامرد)». *زن و فرهنگ و هنر*، س ۱، ش ۱، صص ۶۱-۷۳.

نورتن، دونا. (۱۳۸۲). *شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک*. مترجمان منصوره راعی و همکاران، تهران: قلمرو.

نیکولایوا، ماریا. (۱۳۸۷). «بزرگ‌شدن: دوراهی ادبیات کودک»، در: *دیگرخوانی‌های ناگزیر*.

به کوشش مرتضی خسرونژاد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

- Agular, M. (2001). "Women in Philippine Folktales". *Paper Read at the Philippine PEN Conference CAPBuilding*. Dumaguete city. Novmber 28.
- Bloodworth, D. (1996). "Women in Traditional China & their Portrayal Folktales". *The Chinese Looking Glass*. New York.
- Goldberg, C. (2004). "At the Ogres House". *Folklore*, Vol. 115, No. 3.
- Grabinska, K. (1994). "Women Who refused to marry: A Jungian Interpretation of selected Inuit Folktales". *The Union Institute*.
- Hsieh, H & Shanon, S. (2005). "Three Approaches to Content Analysis". *Qualitative Health Research*, Vol.15, No.9.
- Marie, K. (2005). "Whose immortal picture stories? Amar Chitra Katha and the Construction of Indian Identities". The University of Texas at Austin. [Online]:[http:// proquest.umi.com/ pqdweb?index=3&did= 775392871&srchmode=2&sid=30&](http://proquest.umi.com/pqdweb?index=3&did=775392871&srchmode=2&sid=30&)
- Mebele, L. (2006). "Women in the African Folktales". *Research in African Literatures*. Vol.32, No.2.
- Stockard, J. (1980). "The Role of the American Black Woman in Folkteles". Tulane University.
- Struss, A & Corbin,J. (2005). Pamela Maykut, Richard Morehouse. *Beginning qualitative research*. The Falmar Press.
- Virtue, D & Vogler, k. (2008). "An Analysis of Folktales from Denmark". *Journal of Social Studies Research*. Vol.32, No.1.
- Wilson, S. (2010). "An Archetypal Female Hero in the Adventures of Daniel boon". *Journal of American Studies*. Cambridge: vol. 44. No.2.
- Yamamoto, M. (1996). "The Urashima Legend: Changing gender representation in a Japanese tale". University of California, Berkeley.